

## انواع اقتباس محتوایی از متون کهن در ادبیات کودک و نوجوان

دکتر مریم جلالی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

دکتر مه دخت پورخالقی چترودی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

گستره ی عملکرد های فرهنگی سبب شده است که توجه ادبیات کودک و نوجوان به سمت متون کهن ادبی زیاد گردد. نوشته های موجود در این زمینه نشان می دهد که فعالان در این عرصه شیوه های متعددی را در اقتباس از متون کهن به کار بسته اند.

در مقاله ی حاضر انواع اقتباس محتوایی از متون کهن در ادبیات کودک و نوجوان دسته بندی و معرفی شده است. در ذیل انواع اقتباس مفهومی و محتوایی، عناوین: بازنویسی، بازآفرینی، بازنگری، وام گیری از عناوین، تلخیص و گزیده نویسی و... با ذکر نمونه شرح و توضیح داده شده است. در نهایت به این نتیجه رسیده ایم که باز نویسی از پرکاربرد ترین شیوه های اقتباس محتوایی در داستان های کودک و نوجوان است.

**کلید واژه:** ادبیات. کودک و نوجوان. متون کهن. اقتباس محتوایی.

هیچ کس نیست که متنی بنویسد و کسی نتواند آن را در جایی از ادبیات جهان بیابد. آلفرد تینسون (لنگ سسیل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۱۸۳).

ایجاد رابطه میان متون کهن و ادبیات امروزی همواره یکی از مباحث پر کشش و جذاب بوده است. بخشی از آثار روایی که در دوره های کهن توسط شاعران و نویسندگان فارس زبان و ایرانی خلق شده اند توسط داستان نویسان امروزی مورد توجه قرار گرفته اند. اقتباسات قلمروی وسیع دارند که در آن فرهنگ و تجدد

---

<sup>۱</sup> Lang Cecil

ملل می‌گنجد. گروهی معتقدند که رابطه‌ی بین متون کهن و ادبیات امروزی یک‌سویه است و نباید ارزش متون کهن را با امروزی کردن آن از بین برد. اما عدّه‌ای نیز برآنند که: «ساده و نو کردن آثار کهن ضروری است تا نسل‌های جدید از سرمایه‌های فکری و فرهنگی نسل‌های قدیم بهره‌مند شوند، در غیر این صورت گسیختگی فرهنگی و ادبی پیش خواهد آمد و آن بزرگترین خسارت به ملتی است که ریشه در اعماق تاریخ دارد» (سنجری، ۱۳۸۴: ۳۶).

با آن‌که مبحث اقتباس<sup>۱</sup> در ایران - به‌خلاف نظر کشورهای پیشرفته - غالباً تنها در بخش سینما و تئاتر معنا یافته است اما به‌نظر می‌رسد تلفیق این مقوله با ادبیات کمک می‌کند تا تعریف نسبتاً کاملی از برداشت‌های ادبی نسبت به متون دیگر به‌دست آید. گرچه نمی‌توان ادعا کرد که اقتباس، از متون کهن جایگاه متن اصلی را می‌گیرد، زیرا هرگز یک اقتباس هرچند هم در سطح عالی باشد نمی‌تواند حضور زیبای متن اصلی را آن‌طور که شایسته است بیان کند، خصوصاً اگر متن اصلی، یک شاهکار شاعرانه باشد. اما می‌توان با اقتباس صحیح، گستره‌ی تازه‌ای از کلمات و تصاویر جدیدی را با کمک عبارات شکل داد و ساختاری را به‌وجود آورد که هرگز تقلیدی و ساده و ملال‌آور نباشد.

باید پذیرفت که مقتبس ادعای رقابت با متن کهن را ندارد بلکه می‌خواهد از دریچه‌ای دیگر زیبایی متن کهن را در اختیار کسانی قرار دهد که با آن فاصله‌ای زمانی و مکانی دارند. مقتبسی که کار کودک و نوجوان انجام می‌دهد مرزهای زمان و مکان را در می‌نوردد و متن کهن را از دنیای دور به‌دنیای امروزی مخاطب می‌کشاند. با این وجود اگر اثر کهن و اصلی را نخستین واقعیت مخلوق به‌حساب بیاوریم اثر مقتبس را نیز می‌توانیم تحت عنوان «واقعیت دوّم» بنامیم. شاید ممکن است به‌نظر برسد که در اقتباس هدف اصلی نویسنده تنها انتقال مفاهیم است اما از آن‌جا که هر اثر هنری بزرگ، جلوه‌های آشکار و ناآشکاری دارد لازم است به این نکته دقت شود که گاه این انتقال در چالش‌های ذهن مقتبس قرار می‌گیرد و در حیطه‌ی ادبی و پیوند با امور زیبایی‌آفرینی، با پیکره‌های مختلف حضور پیدا می‌کند.

سندرز<sup>۲</sup> معتقد است که انواع اقتباس محدود نیست. توصیف متن بازگرفته<sup>۳</sup>، دگرنگری متن<sup>۴</sup>، استفاده از مواد متن<sup>۵</sup>، ادامه دادن متن سابق<sup>۱</sup>، دگرسازی متن<sup>۲</sup>، تقلید محتوایی<sup>۳</sup>، تقلید ادبی<sup>۴</sup>، دزدی شاعرانه<sup>۵</sup>، جعل متن<sup>۶</sup>، تعبیر

<sup>۱</sup> Adaptation

<sup>۲</sup> sanders

<sup>۳</sup> version

<sup>۴</sup> variation

<sup>۵</sup> interpretation

تعبیر هجوآمیز<sup>۷</sup>، بهاگذاری مجدد<sup>۸</sup>، بازبینی<sup>۹</sup> و بازنویسی و... همگی جزو اقتباس شمرده می شود (سندرز، ۲۰۰۶: ۱۸). با این تعبیر هر نوع ارتباط با متن اصلی اقتباس به شمار می آید.

گروهی معتقدند که سه نوع تغییر در اقتباس رخ می دهد: جابه‌جایی<sup>۱۰</sup>، شباهت‌سازی<sup>۱۱</sup> و تفسیرسازی<sup>۱۲</sup> (کارتمر، ۱۹۹۹: ۲۰)

بهترین نوع تقسیم‌بندی اقتباسات در این آثار از لحاظ محتوا به دو شاخه تقسیم می‌شود.

- اقتباس باز یا آزاد
- اقتباس بسته یا وفادار

#### ۱- انواع اقتباس آزاد

در اقتباس آزاد مقتبس با استفاده از عناصر منبع، متن را آن‌گونه که اراده می‌کند، می‌پروراند. اقتباس آزاد در فرم ادبی و داستانی انواعی دارد که می‌توان به بازآفرینی، بازنگری، وامگیری عناوین و اصطلاحات اشاره کرد. اما همان‌طور که از این عنوان پیداست نمی‌توان برای انواع اقتباس آزاد تعریفی محدود ارائه کرد و این امکان وجود دارد که در آینده انواع دیگری از آن توسط مقتبسون مورد تجربه قرار بگیرد. اینک ضمن تعریف موارد مذکور به آنچه که در اقتباس از شاهنامه‌ی فردوسی برای کودک و نوجوان مصداق داشته است اشاره می‌کنیم:

- بازنگری<sup>۱۳</sup>

<sup>1</sup> continuation

<sup>2</sup> transformation

<sup>3</sup> imitation

<sup>4</sup> pastiche

<sup>5</sup> parody

<sup>6</sup> forgery

<sup>7</sup> travesty

<sup>8</sup> revaluation

<sup>9</sup> revision

<sup>10</sup> transposition

<sup>11</sup> analogue

<sup>12</sup> commentary

<sup>13</sup> Reinterpretation

در بازنگری مقتبس با متن پیش می‌رود و نظر خود را در متن اجرا می‌کند. او در تمامی عناصر ادبی و یا داستانی دخل و تصرف نمی‌کند و فقط بخش درون‌مایه است که مورد چالش ذهن او قرار می‌گیرد. این کاربرد مانند تعمیر ساختمانی کهن است که تنها بخشی از آن را کاملاً تخریب کرده و به شیوه‌ی معماری جدید بسازند. از نمونه‌های روشن بازنگری می‌توان به اثر مهرداد بهار اشاره کرد. در داستان «رستم و سهراب» او به‌جای برجسته‌سازی رزم پدر و پسر به عشق ایجاد شده از دیدار گردآفرید در دل سهراب می‌پردازد. در این بازنگری در اصل ماجرا و دیگر عناصر اصلی داستانی تغییری ایجاد نشده و شکل اصلی داستان حفظ گردیده اما موضع دید داستان اصلی تغییر نموده و مقتبس از منظری که خود اراده کرده، به داستان نگریسته و آن را برجسته‌سازی و بازگو کرده است.

#### • وامگیری از عناوین<sup>۱</sup>

در وامگیری عناوین مقتبس از اسامی و عناوین مشهور موجود در متن اصلی، برای تیتراژ مطلب و یا عناوین متنی استفاده می‌کند. اقتباس از عنوان به دو شکل انجام می‌شود: نوع اول متن بازنویسه شده به‌لحاظ ساختار و دورنمایه و موضوع، هیچ ارتباطی با عنوان انتخابی مقتبس ندارد اما عنوان عینا یادآور متن کهن است مانند عنوان «رستم از شاهنامه رفت» که در دوازده شماره از نشریه‌ای به‌چاپ رسید اما محتوای آن مربوط به تختی بود. معمولاً این نوع عمل‌کردها در نشریات اجرا می‌شود و کمتر کتابی را می‌توان یافت که این‌گونه باشد. نمونه‌های زیادی از این اقتباس در آثار ژورنالیست‌ها دیده می‌شود.

در نوع دوم مطلبی که در زیر عنوان نوشته می‌شود ارتباط ضمنی با تیتراژ دارد اما ماهیت کلی از آن مطلب مندرج در متن است. گاه عینا از نام‌های موجود در متن اصلی در قسمت تیتراژ استفاده می‌شود و گاه نمی‌شود. اگر عناوین در تیتراژ کاربرد نداشته باشند یقیناً در متن اقتباس شده با ارتباط بسیار محدود با متن اصلی نمود پیدا می‌کند. نمونه‌ای از این نوع اقتباس را می‌توان در بخش سرگرمی‌ها، طنز، مقاله‌ها و خاطره‌نویسی‌ها مشاهده کرد.

#### • بازآفرینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> interpretation

<sup>۲</sup> Re-creation

در این میان مشهورترین نوع اقتباس آزاد، بازآفرینی است؛ بازآفرینی، به معنای آفرینشی دیگر سنتی آفرینشگر بوده و ادبیات امروز را به شکوفایی رسانده است (مشرف آزادتهرانی، ۱۳۵۴: ۶۳). در این روش مقتبس اثری را مبنا و معیار کار خود قرار می‌دهد و سپس براساس سلیقه و ذهنیات و تخیل خود آنرا دوباره می‌آفریند. او مجاز است که در تمام عناصر ادبی یا داستانی دخل و تصرف داشته باشد. محسن طائب در این باره نوشته است: «در بازآفرینی تغییر و تحوّل در سبک، ساختار و متن صورت می‌گیرد» (طائب، ۱۳۸۵: ۱۲). جعفر پایور در این امر معتقد است: اگر موضوع اثر تغییر یابد و شکل جدید و ساخت نو پیدا کند اثر جدید، یک بازآفرینی است (پایور، ۱۳۸۰: ۱۷). در این روش با مطالعه‌ی متن بازآفرینی شده مخاطب به یاد متن پیشین می‌افتد، اما به راحتی می‌تواند تفاوت این دو را درک کند.

#### ۱- انواع اقتباس بسته

در اقتباس بسته مقتبس کوشش می‌کند که منبع ادبی را ملاک اصلی خویش قرار دهد، روح اثر اصلی را در متن جدید حفظ کند. در اقتباس بسته، او مؤلفی می‌شود که اثر اصلی را به تفسیر می‌کشد و در عین حال ساختار عمده‌ی داستان رویدادهای اصلی و شخصیت‌های مهم آنرا در پناه داستان اصلی نگه می‌دارد. اقتباس بسته انواع مختلفی دارد. بازنویسی<sup>۱</sup>، گزیده‌نویسی<sup>۲</sup>، تلخیص<sup>۳</sup> و تصویرگری محض<sup>۴</sup> در این نوع از اقتباس می‌گنجد.

#### • بازنویسی

مشهورترین نوع اقتباس بازنویسی است؛ اصطلاح بازنویسی نخستین بار در برگزاری مجمع بین‌المللی ادبیات کودک در بیست و پنج اردیبهشت سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار توسط محمود مشرف‌آزادتهرانی مطرح شد. جمال میرصادقی بازنویسی را برابر با اقتباس می‌داند و می‌نویسد: «اقتباس یا بازنویسی، بازنگری اثری است به اندازه دلخواه به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها - تا حدی که ممکن باشد - و خصوصیات زبانی و لحن اثر اصلی برجا بماند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۵). در این میان جعفر پایور تعریفی دقیق‌تری از بازنویسی مطرح می‌کند «بازنویسی یعنی به زبان امروزی در آوردن اثر کهن به طوری که کهنگی اثر گرفته

<sup>1</sup> Rehabilitation

<sup>2</sup> Selective writing

<sup>3</sup> Abridgment

<sup>4</sup>

شود و بر دو گونه است: بازنویسی ساده یعنی اثر کهن را به زبان امروزی در آوردن و بازنویسی خلاق یعنی ساختار نو به اثر کهن دادن» (پایور، ۱۳۸۰: ۱۵). کریمزاد نیز در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود سعی در تکمیل این تعریف داشته و بازنویسی را این‌گونه معرفی کرده است: «بازنویسی از ادب کهن برای کودکان و نوجوانان یعنی بازنوشتن اثر کهن به زبان امروزی به اندازه‌ی دلخواه و واژگانی مناسب با سن مخاطب کودک و نوجوان، به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها تاحدی که ممکن باشد و به مناسب شدن اثر با گروه سنی کودکان لطمه نزنند، خصوصیات زبانی و لحن اثر اصلی به جای ماند» (کریمزاد، ۱۳۸۵: ۱۷۷). همان‌طور که از تعاریف برمی‌آید در بازنویسی احساس و عقیده‌ی جدیدی تولید نمی‌شود بلکه کنش بازنویسی بیش‌تر در خلق عمل‌ها و عکس‌العمل‌های موجود در متن باز نوشته شده است (هریس، ۲۰۰۶: ۲). معمولاً در آثار بازنویسی شده مراحل زیر اجرا می‌گردد:

- ساده کردن زبان متن اصلی.
- تغییرات در برخی عناصر داستانی متن اصلی.
- حذف مطالب غیر ضروری از متن اصلی.
- انتخاب و برجسته‌سازی بخش‌های مهم از متن اصلی (سنجری، ۱۳۸۴: ۴۰).

با کنار گذاشتن جزئیات، بازنویسی به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) بازنویسی با تغییرات اندک

ب) بازنویسی با تغییرات زیاد (همان)

تمامی بازنویسی‌هایی که تغییرات جزئی دارند در گروه «الف» قرار می‌گیرند و اگر این تغییر زیاد باشد تا زمانی که وارد مرحله‌ی بازآفرینی نشده‌اند جزو گروه «ب» به‌شمار می‌آیند. در بازنویسی لازم است به زبان و فکر اصلی اثر و ارتباط میان این دو در متن بازنویسه شده، توجه کافی داشت (فریمن، ۱۹۹۳: ۳) از طرفی استفاده از واژه‌های متناسب با متن جزو موارد گریزناپذیر برای یک بازنویس است تا آن‌جا که فریمن واژه‌سازی را از دیگر وظایف یک بازنویس برشمرده است (همان). با این تفاسیر تئوری جعفر پایور به تئوری فریمن بسیار نزدیک است. در واقع تغییر دادن الفاظ یک متن و نوشتن مجدد آن به روشی متفاوت و یا ساده و با حفظ درون‌مایه و موضوع اصلی چندان که مناسب احوال مخاطب باشد و برای او قابل درک و فهم باشد بازنویسی به‌شمار می‌آید. لازم به‌ذکر است که در بازنویسی حفظ ساختار متن اصلی به‌لحاظ تم و موضوع و درون‌مایه ضروری است (همان: ۷۵) و بازنویس حتی در کاربرد شیوه‌ی تغییرات زیاد اجازه دخل و تصرف

در این موارد را ندارند. بازنویسی از متداول‌ترین روش‌هایی است که مقتبسین کتاب‌های کودک و نوجوان در فرم‌های داستانی غالباً برای انتقال متن شاهنامه از آن استفاده کرده‌اند و می‌توان گفت که بازنویسان در ایران حدود نود درصد از کتاب‌های مقتبس را به این شیوه نوشته‌اند.

### • گزیده نویسی

یکی دیگر از موارد اقتباس بسته، گزیده‌نویسی است. در گزیده‌نویسی مقتبس نمی‌تواند بخشی را به متن اضافه نماید بلکه در این روش قسمتی از آثار کهن را گزینش کرده و بدون تغییر در عنوانی مرتبط می‌گنجانند. در حقیقت متن گزینش شده به قلم مقتبس نیست بلکه به قلم نویسنده‌ی اصلی اثر است. گزیده‌نویسی نیز یکی دیگر از راه‌های اقتباس متن برای کودکان و نوجوانان است. رسالت مقتبس در این شیوه در گزینش متن اجرا می‌شود. او انسجام و توالی متن را در نظر می‌آورد و در چینش مقدمه، پیکره و فرجام متن بسیار محتاطانه عمل می‌کند تا کلاف سردرگمی را در اختیار مخاطب قرار ندهد. در حقیقت گزیده‌نویس داستان‌نویس نیست بلکه به تدوین ماجرای داستانی می‌پردازد. در شیوه‌ی گزیده‌نویسی معمولاً ابیات یا بخشی از متن اصلی انتخاب می‌شوند و گاه این انتخاب با شرح واژه‌ها و عبارات و اصطلاحات همراه است. در این نوع است که مخاطب به شکل مستقیم با متن اصلی روبه‌رو می‌شود.

### • تلخیص

تلخیص در لغت به معنی مختصر کردن و در اصطلاح ادبی یعنی کوتاه کردن اثر به طوری که فکر اصلی و شکل اولیه آن محفوظ بماند (میرصادقی جمال، ۱۳۷۷: ۷۰). تفاوت تلخیص و گزیده‌نویسی در شیوه‌ی اجراست. در روش تلخیص مقتبس اصل اثر را به قلم خویش خلاصه می‌کند و حشو زواید را از آن جدا می‌کند؛ در حقیقت هدف از تلخیص معمولاً آسان‌سازی متن و تسریع در خواندن است (همان) و تمرکز بر عناصر موجود متن چندان قابل تأمل نبوده و مهم به نظر نمی‌آید. مهم قرار دادن چکیده‌ای از وضعیت متن در اختیار مخاطب است به نحوی که مخاطب بدون نیاز به متن اصلی، بتواند پیام مطلب را درک نماید. برخی نیز گردآوری را نوعی تلخیص معرفی کرده‌اند اما گردآوری شیوه‌ای مجزاست که در زیرمجموعه‌های اقتباس قرار می‌گیرد. در گردآوری قصد و هدف مقتبس تنها جمع‌آوری آثاری از نویسندگان و شاعران است. حال

این جمع‌آوری می‌تواند گزیده‌نویسی باشد یا این‌که تلخیص. بنابراین نمی‌توان گردآوری را شکل متفاوتی از اقتباس در نظر آورد. تلخیص غالباً در فرم‌های غیر داستانی اجرا می‌شود و شکلی گزارشی دارد و گاه می‌تواند در قالب زندگی‌نامه و مقاله‌های آموزشی قرار بگیرد.

#### • تصویرگری محض

گاه مقتبس در اثر کودک و نوجوان بدون آن‌که از زبان گفتار و نوشتار بهره‌برد با در کنار هم قرار دادن تصاویر و شکل‌ها به نوعی یک اثر کهن را به مخاطب کودک و نوجوان انتقال می‌دهد. این نوع اقتباس می‌تواند باز یا بسته باشد. بستگی به نوع خلاقیت تصویرگر دارد. علت مطرح کردن این نوع از اقتباس، وجود کتابی است که از داستان‌های مولوی (صلواتی، ۱۳۸۶) با کمک این فرم برای کودکان به مرحله‌ی اجرا در آمده است.

#### • روش‌های تلفیقی

«برای خلق و تولید کتاب گاهی هنرمندان از ترکیب دو روش یا بیشتر استفاده می‌کنند، برای نمونه نویسنده‌ای از ترکیب بازنویسی و گزیده‌نویسی اثری تازه خلق می‌کند و یا در نوشته‌ها از تصویرگری نیز استفاده می‌کند» (سنجری، ۱۳۸۴: ۴۷) و بخش سپید خوانی را در آن می‌گنجانند. با کاربرد این شیوه‌ها مقتبسین قصد دارند که گنجینه‌های ادبی را به شکل زیباتر در اختیار مخاطب قرار دهند. در میان انواع اقتباس محتوایی، بازنویسی از بالاترین بسامد کاربرد برخوردار است و در بیش از نود درصد کتاب‌های کودک و نوجوان از این شیوه پیروی شده است.

#### منابع:

- پایور، جعفر. (۱۳۸۰). شیخ در بوته. تهران: اشراقیه.
- سنجری جمیله. (۱۳۸۴). نقد و بررسی آثار بازنویس از کلیله و دمنه، مرزبان نامه، منطق‌الطیر ... برای کودکان و نوجوانان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- طائب، محسن. (۱۳۸۵). «جامعه نو بر بنیاد ادبیات کهن». کتاب هفته. ش ۳۸. ص ۱۲.
- کریمزاد، مریم. (۱۳۸۴). بررسی بازنویس‌ها و بازآفرینی‌های شاهنامه برای کودکان و نوجوانان. دانشگاه یزد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.



- مشرف‌آزاد تهرانی، محمود. (۱۳۵۴). «بازآفرینی در ادبیات کودکان ایران». فصلنامه کانون پرورش فکری. ش ۳-۴. صص ۵۷-۶۵.
- میرصادقی، جمال. میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). *واژه نامه هنر داستان نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
- Cartmell, Deborah, and Whelehan, Imelda (eds) (1999) *Adaptations: From Text to Screen, Screen to Text*, London: Routledge.
- Freeman, mark. (1993). *Rewriting the sells*. London: Rout ledge.
- Harris. Joseph. (2006). *Rewriting how to do things with taxes*. University press: Logan, Utah state.
- ( Sanders, Julie (2006). *Adaptation and Appropriation*. London and New York: Routledge.